

سوره «سجده» (۳۲)

سوره سجده آخرین سوره از چهار سوره پشت سر همی است که با حروف مقطعه «الم» آغاز شده و مجموعه مرتبط و متحدی را تشکیل می دهند.^۱ هر چهار سوره با اختلاف زمانی اندکی در نیمه دوم دوران مکه نازل شده^۲ از یک طرف نظر به گرفتاری ها و محدودیت های مؤمنین در نظام شرک آلود حاکم دارد، از طرف دیگر در بعد اعتقادی به مسئله «توحید» یعنی وحدانیت خدا در الوهیت و ربوبیت، که مشرکین منکر آن بودند، عنایت می نماید. علاوه بر توحید که اصلی ترین محور این چهار سوره را تشکیل می دهد، موضوع بازگشت به سوی خدا که از مهمترین لوازم اعتقاد به توحید است، در این سوره ها تجلی می کند. این مسئله که تحت عناوین و کلماتی مثل: یوم الاخره، یوم البعث، یوم القيامة، یوم تقوم الساعة، یوم الفتح، اجل الله، وعد الله، لقاء الله، الیه ترجعون، الیه تقلبون و... مطرح گشته حدود ۱/۴ سوره روم^۳، ۱/۳ سوره های عنکبوت و لقمان^۴ و ۱/۲ سوره سجده را تشکیل می دهد.^۵

۱. البته این ۴ سوره با سوره های بقره و آل عمران نیز که با همین حروف شروع می شوند، در ارتباط هستند.

۲. مطابق جدول مربوطه در کتاب سیر تحول قرآن سوره سجده در سال ۸، سوره روم در سالهای ۶ و ۹، سوره لقمان در سالهای ۶ و ۱۲ و سوره عنکبوت در سالهای ۱۱ و ۱۲ بعثت نازل شده اند.

۳. آیات ۷-۸-۱۱ تا ۱۶-۲۱-۲۲-۲۴-۲۸-۳۲-۳۳ و کلمات: آخرت، اجل- یوم البعث- یوم تقوم الساعة- یوم الاخره- خروج، احیاء، رجوع.

۴. سوره لقمان آیات ۴-۶ تا ۹-۱۶-۲۱-۲۲-۲۴-۲۸-۳۲-۳۳ و کلمات: آخرت، وعد الله- مرجع- بعث- ساعت و...

۵. آیات ۵-۸ تا ۱۰-۱۳-۱۹ تا ۲۷-۳۶-۵۳ تا ۵۸-۶۴ تا ۶۸ و کلمات: لقاء الله- اجل الله- مرجع- یوم القیمه- عید، آخرت- تقلبون، عذاب- نار- جهنم و...

۶. آیات ۵، ۱۰ تا ۱۳، ۱۷، ۲۲ تا ۲۸، ۳۰ و کلمات: لقاء، رجعت، یوم القیمه، یوم الفتح، نار، جهنم، جزاء، جنت و...

به این ترتیب می توان گفت مسئله بازگشت به سوی خدا اساسی ترین نتیجه ای است که از مسائل توحیدی این ۴ سوره گرفته شده و در همین رابطه سرنوشت نهائی انسان در آخرت در دو جهت جهنم و عذاب جاوید یا بهشت و نعمت های آن تبیین و تشریح گشته است.

سوره «سجده» که بصورت یکپارچه در هشتمین سال بعثت نازل گردیده، نسبت به سوره های قبل فاصله بیشتری با هجرت دارد. بنابراین بُعد اعتقادی آن بر بعد اجتماعی اش (در رابطه با سخت گیری های قریش و آمادگی برای هجرت و جهاد) می چربد، بطوری که در مورد مسئله اخیر بجز چند آیه انتهائی آن که با یادآوری رسالت حضرت موسی (ع) بر موضوع «صبر» و پایداری انبیاء بنی اسرائیل در برابر مخالفین اشاره می کند (و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا...)، و همچنین آخرین آیه آن (فاعرض عنهم و انتظر انهم منتظرون) که بر انتظار و عامل زمان تکیه می کند، مطلبی نمی یابیم. برعکس به مسائل توحیدی و به خصوص قیامت، بخش بیشتری از سوره اختصاص یافته است.

با اینکه اصلی ترین محور این سوره «توحید» است، اما با کمال شگفتی تنها یک بار نام جلاله «الله» در این سوره بکار رفته است (آیه ۴ - الله الذی خلق السموات والارض...) و این امر در سوره های بلند و متوسط قرآن بی نظیر است.^{۱ و ۲} شاید خود این نکته هم اشاره ای به یکتائی باشد. البته می دانیم مشرکین منکر «الله» نبودند، بلکه ربوبیت و تدبیر را انکار می کردند و بنظر می رسد به همین دلیل هم باشد که بر کلماتی که دلالت بر ربوبیت و تدبیر می نماید اشاره زیاد می کند، از جمله سوره با نام رب العالمین شروع می شود (تنزیل الکتاب لاریب فیه من رب العالمین) و در مقدمه ۹ آیه ای آن بر کلمات: خلق، عرش، ولی، شفیع، یدبر الامر، علم، عزیز و رحیم و... که هر کدام جلوه و نتیجه ای از ربوبیت و تدبیر است تکیه می کند.

مهمترین نتیجه ای که از مسئله توحید گرفته می شود، همانطور که گفته شد، اعتقاد به «لقاء پروردگار» می باشد که در صدر آیات پس از مقدمه (آیات ۹ و ۱۰) به آن تصریح شده و بیش از ۵۰٪ آیات سوره به آن اختصاص یافته است.

۱. حداقل تا سوره ۵۰ چنین است. از آن بیعد بدلیل کوچک شدن سوره ها در برخی از آنها اصلاً نام جلاله الله وجود ندارد.

۲. عجیب اینکه در سوره های طه (۲۰) و حجر (۱۵) هم که نام الله به نسبت بسیار کمی (بترتیب ۳ و ۶ بار) به کار رفته مشتقات کلمه «سجده» زیاد به کار رفته است (به ترتیب ۳ و ۶ بار)

تقسیمات سوره

۱- مقدمه (آیات ۱ تا ۹) - این بخش با اشاره به تنزیل کتاب (قرآن) که شکی در آن نیست، از جانب «رب العالمین» شروع می شود و نقش این کتاب را، که کافران بافته شده اش می پندارند، هشدار دادن قومی معرفی می نماید که قبلاً نذیری بر آنها مبعوث نشده است تا شاید هدایت و رهبری شوند. اصولاً همه سوره هائی که با حروف مقطعه آغاز می شوند، از همان ابتدا با خطاب مستقیم یا تلویحی به رسول اکرم (ص)^۱، موضوع کتاب (قرآن، وحی، تنزیل و...) را مطرح ساخته^۲ بر حکیم، مبین، لاریب فیه، حق، مصدق و... بودن آنها تأکید می نماید.

پس از این دو آیه، که بقیه سوره جلوه ای از حقانیت و نقش انذار دهندگی آن بشمار می رود، ۶ آیه دیگر تماماً به نمود هائی از «ربوبیت» رب العالمین ارتباط پیدا می کند. نیمی از این ۶ آیه که ذیل جمله «الله الذی...» آمده بر خلقت و تدبیر عمومی موجودات ناظر است و نیم دیگر، که عطف بر نیمه اول است و با همان کلمه «الذی» آغاز می شود، بر خلقت و تدبیر نوع انسان که کامل ترین خلایق است.

در نیمه اول از آفرینش آسمانها و زمین و مابین آنها در ۶ مرحله و اداره و تدبیر آنها (استوای بر عرش) یاد کرده نتیجه می گیرد هیچ ولی و شفيعی بجز او وجود ندارد و همانطور که از مقام بالا تدبیر زمین را می کند، در جهت عکس نیز در روز خاصی (قیامت) از پائین به بالا به سوی او، عروج می کنند و این امر دلالت بر عزت و رحمت خداوندی می کند که عالم بر نهان و آشکار است، عزت بدلیل توانائی و قدرتش در برابر ظالمین و عذاب آنها، و رحمت بخاطر عنایتش به مؤمنین و متنعم ساختن آنان در بهشت.

در نیمه دوم این مقدمه، از آفرینش انسان که نمونه کامل و احسن مخلوقات است یاد می کند و مراحل گوناگون این موجود را که از گل مخصوصی (طین) آغاز شده و تحول و تطور فراوانی یافته تا شایسته نفحه روح الهی گشته و به ابزار شناخت (سمع و ابصار و افئده) مجهز گردیده ذکر می نماید. اما علیرغم حقایق فوق تنها قلبی از مردم خدا را شکر می کنند و از امکاناتی که به آنان بخشیده در جهت او بهره می جویند.

۱. سوره های ۲ و ۲۷ و ۳۱ که در ارتباط با هم هستند، خطاب تلویحی به رسول اکرم دارند. همچنین سوره های ۱۰ و ۱۱ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۸.

۲. به استثنای سوره های: مریم (۱۹)، عنکبوت (۲۹)، روم (۳۰) و قلم (۶۸) که بگونه متفاوتی آغاز می شوند.

۲- مردم شناسی (آیات ۱۰ تا ۲۲)

در این بخش دو دسته از مردم معرفی می شوند:

۱- گروهی که اکثریت را تشکیل می دهند و به نام های: کافرون، مجرمون، مستکبرون، فاسقون، مکذبین معرفی شده اند.

۲- گروهی که برعکسِ نسیانگران گروه قبل، اهل توجه و تذکر به آیات خدا هستند و به جای استکبار «سجده» می کنند و به حمد پروردگارشان تسبیح می نمایند، اتفاقاً نام سوره «سجده» از این گروه اخذ شده است که مهمترین رکن مطالب آن می باشد.

اگر خصلت مؤمنین سجده بدرگاه خدا هنگام تذکر به آیات است (انما یومن بایاتنا الذین اذا ذکروا بها خروا سجداً...)، خصلت مجرمین اعراض از آیات هنگام تذکر به آن می باشد (و من اظلم ممن ذکر بایات ربّه ثم اعرض عنها انا من المجرمین منتقمون - آیه ۲۲). این بخش با نقلِ تکذیب لقاءالله، که مهمترین و فوری ترین نتیجه اعتقاد به مکتب شرک است، آغاز می شود (آیه ۹)، تا ۵ آیه بعد ادامه پیدا می کند، در این قسمت پاسخ رسول (ص)، سرافکنده مجرمین در پیشگاه عدل الهی، اختیار انسان برای پذیرش هدایت، و نتیجه عمل فراموشکاران، که همان عذاب جاوید می باشد تشریح گردیده است.

پس از آن نوبت به مؤمنین می رسد (آیات ۱۵ تا ۱۹). در آیه (۱۳) با عنایت به مسئله آزادی و اختیار انسان تاکید شده بود که مشیت خداوند بر هدایت اجباری بندگان تعلق نگرفته است (ولو شئنا لاتینا کل نفس هدیها) و هر انسان به میل و اراده خود باید ایمان بیاورد. در اینجا با حرف حصر «انما» ایمان را نتیجه عمل کسانی می شناسد که اهل سجده و حمد و تسبیح پروردگار هستند و تکبر نمی ورزند (آیه ۱۵). علاوه بر آن، شبانگاه از بسترهای خویش دوری گرفته خدا را با خوف و طمع می خوانند و در هنگام روز ب دیگران انفاق می نمایند (آیه ۱۶). برای این گروه بدلیل اعمالشان آنچنان جزا و چشم روشنی مقرر گردیده که قابل تصور نیست (آیه ۱۷) این همان عدالتی است که خداوند در متمایز ساختن مؤمن از فاسق وعده داده است (آیه ۱۸)، مؤمنین شایسته کار در بهشتی که بخاطر اعمالشان پیشکش می شوند، جای می گیرند و فاسقین تکذیب کننده در آتشی که راه گریز از آن ندارند مأوی می یابند (آیات ۱۹ و ۲۰)، این سرنوشت ناشی از ظلم مجرمین بخودشان است، چه ظلمی بالاتر از اعراض از آیات و نشانه های خدا! کسی که در راهی به سوی مقصدی رهسپار است اگر به علامات راه، که همان آیات و نشانه های رهیابی می باشند توجه نکرده از آنها اعراض نماید، به نفس خود ستم کرده و به گمراهی و هلاکت افتاده است. مجرمین

(بریدگان از خدا - معنای لغوی) که از آیات او اعراض می نمایند لامحاله از سیستم هدفدار هستی دفع و طرد می گردند (معنای انتقام).

و من اظلم ممن ذکر بایات ربّه ثم اعرض عنها انا من المجرمین منتقمون (آیه ۲۲).

۳- عبرت آموزی از تاریخ و طبیعت (آیات ۲۳ تا ۲۷)

در این بخش کوتاه خلاصه و عصاره‌ای از مضمون مقدمه سوره را در جریان رسالت حضرت موسی نمایش می دهد. کلمات: کتاب، لقاء و هدایت که در اولین آیه این بخش (ولقد اتینا موسی الکتاب فلا تکن فی مریة من لقاءه و جعلناه هدی لبنی اسرائیل) وارد شده، در واقع اشاره به مهمترین محورهای سوره می باشد. در دومین آیه این بخش ظاهراً برای تثبیت قدم و تقویت روحیه رسول، از مراتب «صبر» و پایداری انبیاء بنی اسرائیل و یقین آنها به آیات الهی نشانه می آورد (آیه ۲۴)، قبلاً از ایمان ساجدین به آیات خدا (انما یؤمن بایاتنا الذین اذا ذکروا بها خروا سجدا...) و اعراض مجرمین (و من اظلم ممن ذکر بایات ربّه ثم اعرض عنها...) یاد کرده بود و اینک از «یقین» بندگان خاص خدا که اوج ایمان است، ذکری به میان می آورد. علاوه بر آن، اطمینان می دهد که خداوند در روز قیامت در مورد اختلافاتی که اهل کتاب در پیش گرفتند حکم فیصله دهنده خواهد کرد (آیه ۲۵).

پس از ذکر ایاء کتاب به موسی (ع) که بنی اسرائیل بجای پیروی از آن دچار اختلاف گشتند، در آیه بعد (۲۶) از هلاکت اقوام گذشته مثال می زند، اقوامی که اعراب زمان پیامبر از خرابه های آثار آنها عبور می کنند ولی عبرت تاریخی نمی گیرند و به حقایق دردناک سرنوشت آنها گوش شنوا فرا نمی دهند (...ان فی ذلک لایات افلا یسمعون). نه تنها توجهی به گذشته تاریخ ندارند، که حتی در پیرامون خود به زمین خشکزار و مرده‌ای که با جریان آب سبز و زنده شده و دامهایشان و خودشان از آن «می خورند»، نگاهی توأم با بصیرت نمی کنند تا رمز خروج و بعثت را دریابند (آیه ۲۷). کافران از سر تکذیب و ناباوری با حالت تهدید و تمسخر می گویند این روز فتح اگر راست می گوئید! چه وقت است؟ (آیه ۲۸) و خداوند به رسول خود فرمان می دهد به آنها همینقدر بگو که در آن روز نه ایمان آوردنشان سودی به حالشان دارد و نه مهلتی برای جبران مافات داده می شوند (آیه ۲۹). اما چون خداوند در مدت زندگی دنیا به بندگان خود مهلت و اختیار داده است، رسول اکرم (ص) چاره‌ای جز اعراض و انتظار برای تحقق وعده خداوند ندارد. (آیه ۳۰)

نام‌های نیکوی الهی

در این سوره بجز یکبار نام جلاله «الله»، ۶ بار رب مضاف (رب العالمین، ربک، ربهم،

ربنا، ربه) و یکبار نام عزیز و رحیم آمده است (آیه ۶). بنابراین این سوره وحدانیت و یکتائی خداوند را در الوهیت و ربوبیت و آثار این توحید را در عزیز و رحیم بودن او نشان می دهد.

لحن انتهائی آیات

از ۳۰ آیه این سوره، آیه اول (الم) و ششم (عزیز الرحیم) با حرف «م» و آیه ۲۳ (بنی اسرائیل) با حرف «ل» و بقیه آن با حرف «ن» ختم شده اند، سه مورد استثناء هر کدام اشاره ای به کلمات کلیدی سوره دارند.

ارتباط سوره های سجده و احزاب (۳۲ و ۳۳)

سوره سجده آخرین سوره از مجموعه سوره های چهارگانه ای است که با یکدیگر هماهنگی کامل داشته و تماماً با حروف مقطعه «الم» افتتاح می گردند و سوره احزاب نیز (همانطور که در مقایسه و بررسی وجوه ارتباط آن با سوره های بعدی گفته ایم) سبک و سیاق مستقل و منفردی داشته برای خود واحد کاملی به حساب می آید که از روابط خصوصی و خانوادگی پیامبر و مسلمانان سخن می گوید و جنبه درون گروهی دارد، بطوریکه اگر این استثناء در میان نبود، دو مجموعه مجاور از نظر هماهنگی در موضوع تکذیب رسول مندر و انکار احیاء مجدد مردگان و آخرت و تحقق وعده الهی در ظاهر شکل ساده تری پیدا می کرد ولی نظم حکیمانه الهی و رموزی که در این ترکیب وجود دارد باطنی را حکایت می کند که چه بسا خلاف نظر متعارف و معهود ما باشد. با این حال علیرغم تباین ظاهری دو سوره، ارتباط آنها نیز بسیار دقیق و حساب شده صورت گرفته است. قبلاً باید این مقدمه را بگوئیم که سوره احزاب حاوی مطالب متنوعی از مسائل خارجی و داخلی امت اسلامی در ارتباط با عکس العمل مؤمنین و منافقین و کفار و مشرکین (یهود) در قبال رسول الله می باشد که بتدریج در سه مقطع زمانی در سال های ۶ بعثت و ۵ و ۱۱ هجرت نازل شده اند و سوره سجده نیز در سال ۷ بعثت در مکه نازل گردیده است. اتفاقاً بخشی از سوره احزاب که مربوط به دوران مکه است، همان آیات ناظر به کافران می باشد که با آیات سوره سجده همزمان (با یک سال فاصله) نازل شده و کاملاً هماهنگ می باشند. ما نیز وجوه ارتباطی این دو سوره را در این بخش از آیات بشرح ذیل مورد جستجو قرار داده ایم:

۱- هر دو سوره اشاره گذرانی به رسالت حضرت موسی (ع) دارد که بنظر می رسد حاوی یک پیام باشد. در سوره احزاب از آنجائی که آزار و اذیت ها و اتهامات منافقین به پیامبر مورد توجه بوده آنها را از اینکه مانند بنی اسرائیل نسبت به پیامبرشان باشند، برحذر داشته است (یا ایها الذین آمنوا لا تکنوا کالذین آذوا موسی فبراه الله مما قالوا و کان عندالله وجیهاً)، چنین توصیه ای با توجه به محور سوره احزاب، که روابط متقابل رسول خدا و مردم

است، کاملاً طبیعی می باشد. در اواخر سوره سجده نیز (آیات ۲۳ تا ۲۵) سخن از حضرت موسی و انبیاء و امت او به میان آمده است که به نظر می رسد دو نکته را مورد نظر داشته باشد، یکی اینکه ما به موسی بخاطر هدایت بنی اسرائیل «کتاب» دادیم و از میان آن قوم مردانی را که به مقام «صبر» و «یقین» رسیده بودند، به امامت برگزیدیم. دوم اینکه بنی اسرائیل علیرغم چنین مربیانی دچار «اختلاف» شدند. اگر مخاطب سوره احزاب مؤمنین بودند، در اینجا عمدتاً مخاطب پیامبر است که باید بداند جز با صبر و یقین چنین رسالتی را نمی تواند به انتها رساند (همچنین امامان بعد از او دارای ویژگی صبر و یقین باید باشند) و همچنین امت او نیز همچون بنی اسرائیل دچار اختلاف و تفرقه خواهند شد:

ولقد اتینا موسی الکتاب فلا تکن فی مریة من لقائه وجعلناه هدی لبنی اسرائیل - و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا بایاتنا یوقنون - ان ربک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیها کانوا فیه یختلفون.

منظور از جمله «فلا تکن فی مریة من لقائه» (از ملاقات او در شک و تردید نباش)، با توجه به موضوعیت کتاب در پس و پیش آن، بنظر نمی رسد ملاقات در روز قیامت باشد، چرا که نه پیامبر منکر قیامت و ملاقات انبیاء سلف بوده است و نه طرح چنین مسئله ای ارتباطی روشن به آیات مورد نظر دارد و نه اصولاً ملاقات حضرت موسی در قیامت رافع مشکلات موجود می توانسته باشد، بلکه آنچه منطقی تر بنظر می رسد (والله اعلم) منظور از ملاقات، رسیدن به چنین موقعیت و تلقی چنین تجربه ای است، یعنی همانطور که ما به موسی «کتاب» دادیم برای هدایت بنی اسرائیل و او برای پیشبرد اهداف کتاب رنج ها و مشقات فراوانی دید و پیشوایان پس از او نیز مجبور به صبر و پایداری و یقین آوری در این راه شدند و با این حال بنی اسرائیل راه اختلاف و تفرقه را در پیش گرفتند، تو نیز تردید نکن که به ملاقات چنین مشکلاتی خواهی رسید. این مطلب را با اهمیتی که نقش «کتاب» در سوره سجده دارد، و وظیفه پیامبر برای ابلاغ آن، بهتر می توان فهمید. به این ترتیب هر دو سوره از طریق تجربه امت پیشین با یکدیگر ارتباط برقرار کرده اند و مشکلات رسولان را در ارتباط با امت هایشان مطرح می نمایند.

موضوع دیگر که ارتباط دو سوره را نشان می دهد، آیات ختم سوره سجده و افتتاح سوره احزاب است که دو سوره را بیکدیگر متصل نموده. سوره سجده با پیش بینی سرنوشت سوء «کافران» تمام می شود. (قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا ایمانهم ولا هم ینظرون - فاعرض عنهم و انتظر انهم منتظرون)، سوره احزاب نیز با توصیه به عدم اطاعت از «کافران» و منافقین آغاز می شود (یا ایها النبی اتق الله ولا تطع الکافرین والمنافقین...) که بطور

طبیعی مطلب سوره قبل ادامه یافته است. همین توصیه را با تاکید بر عدم اطاعت از آنها و صبر و توکل بر خدا و بی اعتنائی به آزار کافران در اواسط سوره احزاب (آیه ۴۸) به پیامبر تکرار کرده است (ولا تطع الکافرین والمنافقین ودع اذاهم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً) و با همین توصیه و پیش بینی شکست نهائی مشرکین و منافقین سوره را خاتمه می بخشد (لیعذب الله المنافقین والمنافقات والمشرکین والمشرکات و یتوب الله علی المومنین والمومنات و کان الله غفوراً رحیماً)

وجه ارتباطی دیگری هم دو سوره دارند که قابل توجه است، در این دو سوره که آیات مربوط به کافران آنها در مکه نازل شده است، دستور تشکیلاتی، صبر و تحمل است و انتظار برای آینده. در ابتدا و متن و انتهای سوره به پیامبر دستور «عدم اطاعت» (نه درگیری و ستیزه) می دهد تا با پیروی از معیارهای کتاب خدا و توکل بر او بی اعتنا به آزار و اذیت های کافران راه خود را مصممانه ادامه دهد تا یوم الفتح معهود برسد. به آیات ذیل از هر دو سوره توجه کنید که چگونه این مسئله را بیان کرده است:

آخرین آیه سوره سجده: فاعرض منہم و انتظر انہم منتظرون (با آنها رویارویی نکن منتظر باش که آنها نیز منتظرانند)

آیه ۱۳ سوره سجده: لو شئنا لاتینا کل نفس ہدیہا ولكن حق القول منی لاملئن جہنم من الجنہ والناس اجمعین.

آیه ۴۸ سوره احزاب: ولا تطع الکافرین والمنافقین ودع اذاهم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً.

آیه دوم احزاب: واتبع مایوحی الیک من ربک ان الله کان بما تعلمون خبیراً و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً.

سخنی پیرامون حروف مقطعه «الم»

همانطور که قبلاً در بررسی حروف مقطعه طه و طس گفته شد، میان سوره‌هایی که حروف مقطعه مشترکی دارند، پیوند و ارتباطی نزدیک وجود دارد، بطوریکه تک تک این حروف دلالت بر مضمون و مطلب واحدی می‌کنند که در آنها سوره‌ها وارد شده است. اینک پس از مطالعه چهار سوره‌ای که با حروف «الم» آغاز شده‌اند، می‌توانیم به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی از محتویات آنها پرداخته موضوعات مشترکشان را استخراج نمائیم. علاوه بر آن بیاد داریم که دو سوره بقره و آل عمران که پشت سرهم قرار گرفته‌اند، با «الم» آغاز می‌شدند. شاید تفکیک این ۶ سوره به ۲ قسمت به دلیل تفاوت زمانی آنها از نظر نزول باشد، ۲ سوره فوق‌الذکر مدنی هستند درحالی که ۴ سوره دیگر تماماً به نیمه دوم دوران مکی تعلق دارند. همچنین دو سوره دیگر هم با یک حرف اضافه نسبت به «الم» در این سری قرار دارند، سوره اعراف (المص) و سوره رعد (المر). بنابر این می‌توان گفت حروف مقطعه «الم» در ۸ سوره بکار رفته است که باید فصل مشترک این ۸ سوره را پیدا کرد. در ضمن از حرف «ص» و حرف «ر» که در حروف مقطعه دو سوره اعراف و رعد اضافه شده‌اند، به عنوان راهنمای ارزنده‌ای برای کشف مفهوم این حروف می‌توان استفاده کرد.

بجز ۸ سوره فوق در ۵ سوره هم حروف مقطعه «الر» بکار رفته (سوره‌های ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۴ - ۱۵) که در سومین حرف آن بجای «م»، «ر» قرار گرفته است. اگر بتوانیم فصل مشترک این ۵ سوره را استخراج نمائیم و با فصل مشترک ۸ سوره «الم» در مقایسه کنیم شاید به تفاوت مفهوم حرف «م» با «ر» آگاهی پیدا کنیم (تفاوت الم با الر). سوره رعد (۱۳) که با حروف مقطعه «المر» آغاز شده قاعدتاً باید شامل فصول مشترک هر ۱۳ (۵+۸) سوره باشد.

مطلب دیگر این که حرف «م» علاوه بر ۸ سوره فوق‌الذکر، در ۷ سوره‌ای که با حروف

مقطعه «حم» آغاز شده‌اند (سوره‌های ۴۰ تا ۴۶) و ۲ سوره‌ای که با حروف مقطعه «طسم» افتتاح گشته‌اند (سوره‌های ۲۶ و ۲۸) به کار رفته است. بنابراین این ۱۷ سوره نیز باید حداقل در یک موضوع اشتراک داشته باشند.^۱

اینک به بررسی محتویات سوره‌های فوق‌الذکر پرداخته سعی می‌کنیم موضوعات مشترک آنها را استخراج نماییم.

با بررسی ۶ سوره‌ای که بطور خالص دارای حروف مقطعه «الم» هستند درمی‌یابیم که محور اصلی آنها توحید، یعنی یکتائی خدا در الوهیت و ربوبیت است. چهار سوره ۲۹ تا ۳۱ که مربوط به نیمه دوم دوران مکه است ناظر به اعتقادات شرک‌آمیز مشرکان مکه است و ۲ سوره بقره و آل عمران ناظر به شرک و ناخالصی امت بنی اسرائیل در دوران حضرت موسی (سوره بقره) و حضرت عیسی بن مریم (سوره آل عمران). در سوره‌های مکی بدلیل اعتقادات مشرکین که منکر آخرت بودند، روی این مسئله تأکید بسیار شده است، درحالی‌که در سوره‌های مدنی بقره و آل عمران که در مورد امت بنی اسرائیل می‌باشد، کمتر نیازی به تأکید این مسئله بوده است. بنابراین در رابطه با توحید دو سیاق مختلف در سوره‌های ناظر به مشرکین عرب و مشرکین اهل کتاب به چشم می‌خورد و تفاوت کیفی آنها را نشان می‌دهد. در ۴ سوره (۲۹ تا ۳۱) عمدتاً با تأکید روی موضوعات: خلق، علم، ملک و... تدبیر و ربوبیت خداوند یکتا را نشان می‌دهد و در ۲ سوره مدنی (بقره و آل عمران) انحرافات امت بنی اسرائیل را در اختلاف در دین و اتخاذ ارباب غیر خدا سراغ می‌دهد. به نظر می‌رسد سوره‌های دارای حروف مقطعه «الم» استدلالها و برخوردهای توحیدی حضرت محمد (ص) را با مشرکین اهل کتاب یا بت پرستان نشان می‌دهد و سوره‌های دارای حروف مقطعه «الر» غالباً بنام رسولان گذشته می‌باشد (سوره‌های یونس، هود، یوسف، ابراهیم)، سوره حجر گرچه بنام رسولی نیست، اما در این سوره نام حضرت ابراهیم و حضرت لوط ذکر شده است و قوم ثمود که حضرت صالح بر آنان مبعوث شده در این شهر زندگی می‌کردند، همچنین سوره رعد (۱۳) که با حروف مقطعه «الم» آغاز می‌شود، هم شامل مطالب سوره‌های دارای «الم» است و هم مطالب سوره‌های دارای «الر». یعنی از یک طرف برخورد پیامبر اسلام (ص) را با مشرکین نقل می‌کند و از طرف دیگر برخورد رسولان را با اقوام معاصر خود (آیه ۳۲ - ولقد استهزی برسل من قبلک فاملیت للذین کفروا... آیه ۳۸ -

۱. ناگفته نماند مطابق محاسبات کامپیوتری دکتر رشاد خلیفه، مجموع حروف الف، لام، میم در سوره‌های مورد نظر در مجموع و بصورت جداگانه ضریب ۱۹ می‌باشد. مجموع الف در ۱۳ سوره ۱۷۴۹۹ بار (۱۹ × ۹۲۱) مجموع لام در ۱۳ سوره ۱۱۷۸۰ بار (۱۹ × ۶۲۰) و مجموع م در ۱۷ سوره ۸۶۸۳ بار (۱۹ × ۴۵۷).

ولقد ارسلنا رسلاً من قبلك...^۱

قابل توجه است که مشتقات کلمه «رَسَل» در این ۶ سوره که حرف «ر» در حروف مقطعه آن به کار رفته به وفور تکرار شده است.^۲

اما در مورد حرف «ص» که در حروف مقطعه سوره اعراف به «الم» اضافه شده است (المص). با یک بار مرور سوره براحتی می توان دریافت پیامبرانی که نامشان در سوره ذکر شده، تماماً از بعد «نصیحت» خواهی در مورد امتشان و نقش «اصلاح طلبی» و «صبر»ی که داشتند معرفی گشته اند (برخلاف سوره های ۱۰ تا ۱۵ که از بعد رسالت معرفی گشته اند و با حروف مقطعه «الر» آغاز شده اند).

اینک هر سه کلمه: نصیحت، اصلاح و صبر را که دارای حرف «ص» هستند در سوره اعراف مورد بررسی قرار می دهیم.

الف - نصیحت

در مورد حضرت نوح: اببلغکم رسالات ربی وانصح لکم (آیه ۶۲).

» » » هود » » وانا لکم ناصح امین (آیه ۶۸)

» » » صالح لقد اببلغتکم رساله ربی و نصحت لکم ولكن لاتحبون الناصحين

» » » شعيب: » رسالات » » »

باید توجه داشت نزدیک به نیمی از مشتقات کلمه نصیحت (۶ مورد از ۱۳ مورد) در قرآن در این سوره واقع شده است و در مورد حضرت لوط با این که کلمه نصیحت ذکر نشده اما گفتار او خطاب بقومش یکسره نصیحت و خیرخواهی است. جالب توجه است که ابلیس نیز مطابق آیه ۲۱ این سوره، برای حضرت آدم و همسرش سوگند می خورد که ناصح آنها است (و قاسمهما انی لکما ناصح امین).

ب - اصلاح - آیات ۳۵ - ۴۲ - ۵۶ - ۷۳ - ۷۵ - ۷۷ - ۸۵ - ۱۴۲ - ۱۶۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ و ۱۹۶ این سوره به مشتقات کلمه «صلح» مثل: صالح، صالحین، اصلاح، صالحات، صالحون اختصاص یافته است که یکی از محورهای اصلی سوره مشتمل بر حرف «ص» می باشد.

ج - صبر - در مورد حضرت موسی در این سوره از صبر بنی اسرائیل یاد می کند (آیات ۱۲۶ - ۱۲۸ و ۱۳۷) همچنین در آیه ۸۷ سفارش حضرت شعیب را به «صبر» نقل می کند. این واژه نیز در رابطه با رسالت رسولان از کلمات کلیدی می باشد.

۱. آخرین آیه این سوره نیز پیامبر اسلام را بنام «رسول» یاد کرده است (و یقول الذین کفروا لست مرسل...) که ارتباط حرف «م» را با «ر» (رسول) نشان می دهد. همچنین آیه ۳۰ این سوره اشاره به «رسالت» حضرت محمد (ص) دارد (و کذلک ارسلناک فی امه قد خلت من قبلها امم...).
۲. ۵ بار در سوره ۱۰، ۷ بار در هر یک از سوره های ۱۳، ۱۵ و ۸ بار در سوره ۱۲ و ۱۰ بار در هر یک از سوره های ۱۱ و ۱۴ جمعاً ۴۷ بار.